

Identifying Factors Affecting the Evaluation Score of Qualitative Articles Published in Accounting Academic Journals Based on Qualitative Article Evaluation Frameworks

Gholamreza Kordestani¹ , Hossein Rajabdorri² 

1. Accounting Professor, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (corresponding author). E-mail: Gkordestani@yahoo.com
2. Accounting Postdoctoral Researcher, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: Hosrado@gmail.com

Article Info

Article type:
Research

Article history:

Received: 2025/08/27

Received in revised:
2025/10/04

Accepted: 2025/11/11

Available online: 2026/01/27

Keywords:

Qualitative Research, Article Evaluation, Accounting, Research Quality, Academic Journal.

ABSTRACT

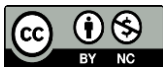
Purpose: This study aimed to systematically evaluate the quality of qualitative accounting articles published in domestic journals, utilizing a "Qualitative Article Evaluation Framework." The necessity of this research lies in assessing the quality of qualitative studies in the field of accounting to contribute to the improvement of article quality.

Methodology: To this end, all qualitative articles published in accounting academic journals approved by the Ministry of Science, Research, and Technology within the specified timeframe were surveyed and evaluated. Finally, statistical analyses were employed to investigate the relationships between independent variables (journal and author characteristics) and the dependent variable (article quality score).

Findings: The findings revealed that 1734 qualitative and mixed-methods articles were published within the studied period. Furthermore, no significant difference was found between the average scores of qualitative articles published in different journals, the average scores of different sections of the articles, and the average scores of qualitative articles across various years. On the other hand, a positive and significant relationship was observed between journal ranking, author's academic rank, and author's university type with the quality score of qualitative articles. However, no significant relationship was found between author's high citation count and the quality score of qualitative articles. Additionally, over time, researchers' learning has not improved, and the quality of qualitative articles has not increased.

Conclusion: This research significantly contributes to the knowledge base in the methodology literature of accounting research. Moreover, by examining the relationship between journal quality and authors' academic characteristics with article quality, it provides new insights for researchers, academic policymakers, and university administrators to enhance research and publication standards in the field of accounting.

Cite this article: Kordestani, Gholamreza; Rajabdorri, Hossein (2026). Identifying Factors Affecting the Evaluation Score of Qualitative Articles Published in Accounting Academic Journals Based on Qualitative Article Evaluation Frameworks, *Applied Scientometric Studies*, 2(4), 61 - 84. <https://doi.org/10.22091/apss.2026.13740.1056>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <http://doi.org/10.22091/apss.2026.13740.1056>

Publisher: University of Qom.

شناسایی عوامل مؤثر بر امتیاز ارزیابی مقاله‌های کیفی منتشر شده در نشریه‌های علمی حسابداری بر اساس چارچوب ارزیابی مقاله‌های کیفی

غلامرضا کردستانی^۱ و حسین رجب‌دردی^۲

۱. استاد حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: Gkordestani@yahoo.com

۲. پژوهشگر پسادکتری حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: Hosrado@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی.</p> <p>تاریخچه مقاله:</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷</p> <p>کلیدواژه‌ها: پژوهش‌های کیفی، ارزیابی مقاله، حسابداری، کیفیت پژوهش، نشریه علمی.</p>	<p>هدف: این پژوهش با هدف ارزیابی نظام‌مند کیفیت مقاله‌های کیفی حسابداری در نشریه‌های داخلی با استفاده از «چارچوب ارزیابی مقاله‌های کیفی» انجام شد. ضرورت این پژوهش ارزیابی کیفیت پژوهش‌های کیفی در حوزه حسابداری برای کمک به بهبود کیفیت مقاله‌ها است.</p> <p>روش: برای این منظور، همه مقاله‌های کیفی منتشر شده در نشریه‌های علمی حسابداری تأیید شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در بازه زمانی بررسی، سرشماری و ارزیابی شد. در نهایت، برای بررسی روابط بین متغیرهای مستقل (ویژگی‌های نشریه و نویسندگان) و متغیر وابسته (امتیاز کیفیت مقاله)، تحلیل‌های آماری به کار گرفته شد.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ۱۷۳۴ مقاله کیفی و آمیخته در بازه زمانی بررسی منتشر شده است. همچنین، بین میانگین امتیاز مقاله‌های کیفی منتشر شده در نشریه‌های مختلف، میانگین امتیاز بخش‌های مختلف مقاله‌ها و میانگین امتیاز مقاله‌های کیفی در سال‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد. از سوی دیگر، بین رتبه نشریه، رتبه علمی نویسنده، و نوع دانشگاه نویسنده با امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین پُر استناد بودن نویسنده و امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی، رابطه معناداری مشاهده نشد. افزون بر آن با مرور زمان، یادگیری پژوهشگران بهبود نیافته و کیفیت مقاله‌های کیفی افزایش نیافته است.</p> <p>نتیجه‌گیری: این پژوهش به دانش‌افزایی قابل توجهی در ادبیات روش‌شناسی پژوهش‌های حسابداری منجر می‌شود. همچنین، با بررسی رابطه بین کیفیت نشریه و ویژگی‌های علمی نویسندگان با کیفیت مقاله‌ها، بینش‌های جدیدی برای پژوهشگران، سیاست‌گذاران علمی، و مدیران دانشگاهی برای ارتقای استانداردهای پژوهشی و انتشار در حوزه حسابداری فراهم می‌آورد.</p>

استناد: کردستانی، غلامرضا؛ رجب‌دردی، حسین (۱۴۰۴). شناسایی عوامل مؤثر بر امتیاز ارزیابی مقاله‌های کیفی منتشر شده در نشریه‌های علمی حسابداری بر اساس

چارچوب ارزیابی مقاله‌های کیفی. *مطالعات کاربردی علم‌سنجی*، ۲ (۴)، ۸۴-۶۱. <https://doi.org/10.22091/apss.2026.13740.1056>



© نویسنندگان.

ناشر: دانشگاه قم.

۱. مقدمه

در چشم‌انداز پژوهشی معاصر به‌ویژه در حوزه حسابداری، تحوّل پارادایمی از اتکای صرف بر «رویکردهای کمی^۱» به سمت پذیرش فزاینده «روش‌های کیفی^۲» وجود داشته است (پارکر^۳، ۲۰۰۳). این گرایش، نه تنها به دلیل توانایی روش‌های کیفی در کاوش عمیق پدیده‌های پیچیده حسابداری، بلکه به دلیل ظرفیت آن‌ها در ارائه بینش‌های غنی و تفسیری از واقعیت‌های اجتماعی و سازمانی مرتبط با حسابداری است (هامفری و لی^۴، ۲۰۰۴). با این حال، ماهیت تفسیری پژوهش‌های کیفی، چالش‌هایی را در زمینه ارزیابی کیفیت و اعتبار آن‌ها مطرح می‌سازد. معیارهای سنتی ارزیابی که به‌گونه عمده ریشه در فلسفه «اثبات‌گرایی^۵» و رویکردهای کمی دارد، اغلب برای سنجش «قابلیت اعتماد^۶»، «اعتبار^۷»، و «قابلیت تأیید^۸» پژوهش‌های کیفی ناکافی تلقی می‌شود (لینکلن و گوبا^۹، ۱۹۸۵؛ تریسی^{۱۰}، ۲۰۱۰). همچنین نشریه‌های علمی، به‌مثابه دروازه‌های اصلی انتشار دانش و تضمین کیفیت پژوهش‌ها، در توسعه و اعتلای رشته حسابداری نقش محوری ایفا می‌کنند. در ایران، با توجه به رشد کمی و کیفی پژوهش‌های حسابداری و افزایش سهم مقاله‌های کیفی در این نشریه‌ها (قناد، عرب‌مازازی‌زدی، صفرزاده‌بندری، و حصارزاده، ۱۴۰۲)، ضرورت ارزیابی نظام‌مند و مبتنی بر معیارهای متناسب با ماهیت این پژوهش‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. این ارزیابی نه تنها به ارتقای استانداردهای علمی کمک می‌کند، بلکه به جامعه علمی و حرفه‌ای اطمینان خاطر می‌دهد که یافته‌های منتشر شده از اعتبار و قابلیت اتکا برخوردار است. در نتیجه هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر امتیاز ارزیابی مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری براساس چارچوب ارزیابی مقاله‌های کیفی است.

با وجود رشد چشمگیر پژوهش‌های کیفی در حوزه حسابداری و افزایش سهم آن‌ها در نشریه‌های علمی به‌ویژه در ایران، ابهام‌های قابل توجهی درباره معیارهای ارزیابی و استانداردهای کیفی این نوع مقاله‌ها وجود دارد. این ابهام ناشی از تفاوت‌های بنیادین پارادایمی بین پژوهش‌های کمی و کیفی است که به چالش‌هایی در فرایند داوری و ارزیابی منجر می‌شود (مدل^{۱۱}، ۲۰۰۹). در نبود یک الگوی یکپارچه و معتبر برای ارزیابی مقاله‌های کیفی، داوران ممکن است از معیارهای نامتناسب یا ذهنی استفاده کنند که این امر به ناهمگونی در کیفیت مقاله‌های منتشرشده و کاهش قابلیت مقایسه و قابلیت اعتماد یافته‌ها منجر می‌شود. بررسی مطالعه‌های پیشین در رشته حسابداری نشان می‌دهد برخی از پژوهشگران با استفاده از تحلیل محتوای نشریه‌ها به این امر در یک دوره زمانی خاص پرداخته‌اند (نونهال‌نهر و کاظمی، ۱۳۹۸؛ سلیمانی‌امیری، ایزدپور و گرامی‌راد، ۱۳۹۹؛ مشائی و برهانی، ۱۴۰۲). سایر پژوهشگران نیز با بررسی یک موضوع خاص مانند اخلاق حرفه‌ای به تحلیل محتوای مقاله‌های نشریه‌های حسابداری پرداخته‌اند (نمازی و رجب‌دردی، ۱۳۹۷). تنها گروه محدودی از پژوهش‌های پیشین سعی داشته‌اند تا نگاهی گسترده و وسیع به تحلیل محتوای موضوعی نشریه‌ها

1. Quantitative
2. Qualitative
3. Parker
4. Humphrey and Lee
5. Positivism
6. Trustworthiness
7. Credibility
8. Confirmability
9. Lincoln and Guba
10. Tracy
11. Modell

داشته باشند و مقاله‌های متعدد در نشریه‌های مختلف را بررسی کنند (رهنمای رودپشتی، بنی‌طالبی‌دهکردی و کاویان، ۱۳۹۱؛ دیانتی‌دیلیمی و بردبار، ۱۳۹۲، قناد و همکاران، ۱۴۰۲). اما کمتر پژوهشی به ارزیابی نظام‌مند کیفیت مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری ایرانی پرداخته است. این وضعیت، نه تنها بر اعتبار علمی یافته‌های پژوهش‌های کیفی تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند به نبود اطمینان در به‌کارگیری این یافته‌ها از سوی جامعه علمی و حرفه‌ای بینجامد. در نتیجه، این امر به افزایش اعتبار و اعتمادپذیری یافته‌های پژوهش‌های کیفی در حوزه حسابداری ایران منجر می‌شود و بستری برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر در عرصه علمی و حرفه‌ای فراهم می‌سازد که مطالب بیان‌شده گویای ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر است.

مسئله اصلی این پژوهش، نبود ارزیابی نظام‌مند و کمی‌سازی‌شده کیفیت مقاله‌های کیفی حسابداری در نشریه‌های داخلی با استفاده از یک الگوی جامع و از پیش تدوین شده است. پژوهش حاضر برپایه الگوی ارزیابی جامعی است که پیش‌تر کردستانی و رجب‌دردی (۱۴۰۴) برای سنجش ابعاد مختلف مقاله‌های کیفی طراحی و اعتبارسنجی کرده‌اند. افزون‌بر این، نبود شناخت کافی از عوامل زمینه‌ای مانند ویژگی‌های نهادی نشریه و مشخصات فردی نویسندگان که ممکن است بر این کیفیت تأثیرگذار باشد، یک چالش اساسی دیگر محسوب می‌شود. این شکاف پژوهشی، لزوم انجام پژوهشی که به‌صورت خاص بر ارزیابی کیفیت مقاله‌های کیفی در نشریه‌های حسابداری متمرکز باشد را برجسته می‌سازد. چنین پژوهشی نه تنها به شناخت نقاط ضعف و قوت مقاله‌های کیفی حسابداری کمک می‌کند، بلکه راهنمایی عملی برای شناخت بهتر وضعیت را فراهم می‌آورد. در نتیجه، این امر به افزایش اعتبار و اعتمادپذیری یافته‌های پژوهش‌های کیفی در حوزه حسابداری منجر می‌شود و بستری برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر در عرصه علمی و حرفه‌ای فراهم می‌سازد که مطالب بیان‌شده گویای ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر است. این پژوهش با هدف ارائه دیدگاهی نوآورانه و جامع، به دنبال رفع این نقیصه با ارزیابی کاربردی مقاله‌های منتشرشده با الگوی موجود و ارائه راهکارهایی عملی برای ارتقای کیفیت پژوهش‌های کیفی حسابداری در بستر نشریه‌های علمی ایران است.

در نتیجه موارد بیان شده، این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر است:

- آیا میانگین امتیاز مقاله‌های کیفی در سال‌ها، نشریه‌ها، و بخش‌های مختلف، متفاوت است؟
- چه عواملی تفاوت در امتیاز ارزیابی مقاله‌های کیفی را تبیین می‌کند؟

برای پاسخ به پرسش‌های یادشده، ابتدا مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری ایران در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۴۰۳ سرشماری شد و سپس همه موارد بدون نمونه‌گیری ارزیابی شد. در نهایت، برای بررسی روابط بین متغیرهای مستقل (ویژگی‌های نشریه و نویسندگان) و متغیر وابسته (امتیاز کیفیت مقاله)، تحلیل‌های آماری به کار گرفته شد.

این پژوهش با به‌کارگیری عملی یک الگوی جامع و بومی برای ارزیابی مقاله‌های کیفی در حوزه حسابداری، به دانش‌افزایی قابل‌توجهی در ادبیات روش‌شناسی پژوهش‌های حسابداری منجر می‌شود. افزون‌بر این، بررسی رابطه بین ویژگی‌های نهادی (نشریه‌ها) و فردی (نویسندگان) با کیفیت مقاله‌ها، بینش‌های جدیدی را برای پژوهشگران، سیاست‌گذاران علمی، مدیران دانشگاهی، و انجمن‌های علمی برای تدوین سیاست‌ها و راهبردهای مؤثر برای ارتقای استانداردهای پژوهشی و انتشار در حوزه حسابداری فراهم می‌آورد. این رویکرد علمی-کاربردی، به بهبود کیفیت کلی پژوهش‌های حسابداری و افزایش اعتماد جامعه علمی و حرفه‌ای به یافته‌های آن کمک خواهد کرد که در نهایت به توسعه نظری و کاربردی رشته حسابداری در کشور یاری می‌رساند.

در ادامه ابتدا مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش و پس از آن به‌ترتیب روش پژوهش، یافته‌ها، و بحث و نتیجه‌گیری آورده می‌شود.

۲. مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش

پژوهش‌های کمی به‌گونه عمده ریشه در فلسفه اثبات‌گرایی دارد و بر عینیت، قابلیت تعمیم، و اندازه‌گیری کمی پدیده‌ها تأکید می‌کند. در مقابل، پژوهش‌های کیفی بیشتر از پارادایم تفسیری / ساخت‌گرایانه نشئت می‌گیرد و بر درک عمیق پدیده‌ها در بستر طبیعی آن‌ها، ذهنی‌گرایی، و ساخت اجتماعی واقعیت تمرکز دارد. در حوزه حسابداری، این تمایز پارادایمی به دو جریان اصلی پژوهشی انجامیده است.

۱- پژوهش‌های اثبات‌گرایانه که به‌گونه عمده بر رابطه بین متغیرهای مالی و اقتصادی تمرکز دارد و از روش‌های کمی استفاده می‌کند. پارادایم اثبات‌گرایی / «پسااثبات‌گرایی»^۱ بر این فرض استوار است که واقعیت عینی و مستقل از ذهن پژوهشگر وجود دارد و می‌توان آن را به‌صورت کمی اندازه‌گیری و تبیین کرد. هدف اصلی در این رویکرد، کشف قوانین کلی و روابط علی بین پدیده‌ها با استفاده از روش‌های علمی دقیق و قابل تکرار است. در اثبات‌گرایی، تأکید بر عینیت کامل و بی‌طرفی پژوهشگر است، درحالی‌که پسااثبات‌گرایی با اذعان به محدودیت‌های عینیت کامل، به‌دنبال تقریب واقعیت با روش‌های علمی دقیق و با در نظر گرفتن احتمال خطا است. پژوهش‌های کمی در حسابداری، مانند رابطه بین متغیرهای مالی و اقتصادی، به‌گونه غالب ریشه در این پارادایم دارد و بر استفاده از داده‌های عددی، تحلیل‌های آماری، و تعمیم‌پذیری یافته‌ها تأکید می‌کند (واتز و زیمرمن^۲، ۱۹۸۶). ۲- پژوهش‌های انتقادی و تفسیری به نقش حسابداری در شکل‌دهی و بازتولید ساختارهای اجتماعی، سازمانی، و سیاسی می‌پردازد و به‌گونه عمده از روش‌های کیفی بهره می‌برد (هاپوود و میلر^۳، ۱۹۹۴). پارادایم تفسیری / ساخت‌گرایانه بر این باور است که واقعیت اجتماعی، محصول «برساخت‌گرایی اجتماعی»^۴، و تفسیرهای ذهنی افراد است. در این دیدگاه، واقعیت عینی به‌معنای اثبات‌گرایانه وجود ندارد، بلکه واقعیت‌ها با تعامل اجتماعی و معنایی که افراد به تجربه خود می‌دهند، شکل می‌گیرد. هدف پژوهش در این پارادایم، درک عمیق پدیده‌ها، تجربه‌ها، و معناها از دیدگاه مشارکت‌کنندگان است. پژوهشگر در این رویکرد، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند پژوهش محسوب می‌شود و بر «ذهن‌گرایی»^۵ و درک تفسیری تأکید می‌شود. پژوهش‌های کیفی در حسابداری که به مطالعه نقش حسابداری در شکل‌دهی و بازتولید ساختارهای اجتماعی، سازمانی، و سیاسی می‌پردازد، به‌گونه عمده از این پارادایم نشئت می‌گیرد (پارکر، ۲۰۰۳).

از آنجا که معیارهای سنتی ارزیابی مانند روایی، پایایی، و عینیت در پارادایم اثبات‌گرایی ریشه دارد و برای سنجش پژوهش‌های کمی مناسب‌تر است، نیاز به توسعه معیارهای جایگزین برای پژوهش‌های کیفی احساس شد. «نظریه اعتمادپذیری»^۶ لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) به‌مثابه یک پاسخ به این نیاز مطرح شد. این نظریه، با ارائه معیارهای چهارگانه «اعتبار»^۷ که بر تطابق یافته‌ها با واقعیت تجربه مشارکت‌کنندگان تأکید دارد، «انتقال‌پذیری»^۸ که به قابلیت کاربرد یافته‌ها در بسترهای مشابه اشاره دارد، «قابلیت اتکا»^۹ که بر ثبات و پایداری فرایند پژوهش تأکید می‌کند، و «تأییدپذیری»^{۱۰} که به بی‌طرفی و نبود سوگیری پژوهشگر اشاره دارد، بنیان اصلی الگوی

1. Post-Positivism
2. Watts and Zimmerman
3. Hopwood and Miller
4. Social Construction
5. Subjectivity
6. Trustworthiness
7. Credibility
8. Transferability
9. Dependability
10. Confirmability

ارزیابی پژوهش‌های کیفی را تشکیل می‌دهد. این معیارها تلاش می‌کنند تا مفاهیم کیفیت را در چارچوب پارادایم تفسیری/ساخت‌گرایانه بازتعریف کنند. افزون بر این، معیارهای کیفیت پژوهش کیفی تریسی (۲۰۱۰)، شامل ۱- موضوع ارزشمند؛ ۲- عمق و غنا؛ ۳- خلوص؛ ۴- اعتبار؛ ۵- پژوهاک؛ ۶- سهم معنادار؛ ۷- اخلاق؛ و ۸- انسجام می‌شود که همچون مکمل این چارچوب نظری عمل می‌کند. این معیارها نیز بر جنبه‌های خاصی از کیفیت در پژوهش‌های کیفی تأکید دارد که فراتر از دقت روش‌شناختی است و به ابعاد اخلاقی، عملی، و تأثیرگذاری پژوهش می‌پردازد.

تفاوت میانگین امتیاز مقاله‌های کیفی در نشریه‌ها، بخش‌ها و سال‌های مختلف

این فرضیه از «نظریه اقتضایی^۱» پشتیبانی می‌کند. نظریه اقتضایی بیان می‌دارد که هیچ رویکرد یا ساختار «یک اندازه برای همه» وجود ندارد و اثربخشی یک سازمان یا فرایند به تناسب آن با عوامل زمینه‌ای (اقتضایی) بستگی دارد (لاورس و لورسج^۲، ۱۹۶۷). در بستر پژوهش‌های علمی، این نظریه فرض می‌کند که کیفیت مقاله‌های منتشرشده می‌تواند تابعی از ویژگی‌های خاص هر نشریه مانند سیاست‌های هیئت‌تحریریه، ترکیب هیئت‌تحریریه و داوران، و تغییرهای محیطی در طول زمان باشد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: بین میانگین امتیاز ارزیابی مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد.

نظریه اقتضایی را می‌توان به ساختار درونی مقاله‌های علمی نیز بسط داد و این رویکرد را در سطح اجزای داخلی مقاله‌ها نیز اعمال کرد. به این معنا که توزیع کیفیت بخش‌های مختلف یک مقاله ممکن است به صورت یکنواخت نباشد و از عوامل اقتضایی خاص هر بخش، تخصص نویسنده در آن حوزه، یا حتی استانداردهای نانوشته‌ای که برای هر بخش در نشریه‌های مختلف وجود دارد، تأثیر گیرد. برای نمونه، ممکن است نویسندگان در بخش روش‌شناسی دقت و عمق بیشتری به خرج دهند درحالی‌که بخش مقدمه یا مبانی نظری از کیفیت متفاوتی برخوردار باشد. در نتیجه، براساس دیدگاه اقتضایی که به تفاوت‌ها و ناهمگونی‌های درونی نیز توجه دارد، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه دوم: بین میانگین امتیاز بخش‌های مختلف مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های حسابداری، تفاوت معناداری وجود دارد.

افزون بر تفاوت‌های بین نشریه‌ها، «گذر زمان^۳» نیز یک عامل اقتضایی مهم است. روندهای پژوهشی، اولویت‌های موضوعی، و حساسیت‌ها نسبت به معیارهای کیفیت در جامعه علمی می‌تواند در سال‌های مختلف تغییر کند. برای نمونه، با گذشت زمان و افزایش پذیرش عمومی پژوهش‌های کیفی در حسابداری، ممکن است درک از معیارهای کیفیت این نوع پژوهش‌ها بهبود یابد و این دانش به ارتقای کیفیت مقاله‌های منتشرشده منجر شود. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه سوم: بین میانگین امتیاز ارزیابی مقاله‌های کیفی منتشر شده در نشریه‌های حسابداری در سال‌های مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد.

1. Contingency Theory
2. Lawrence and Lorsch
3. Passage of Time

رابطه رتبه نشریه و امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی

این فرضیه بر پایه نظریه «علامت‌دهی»^۱ اسپنس^۲ (۱۹۷۳) و «نظریه اعتبار سازمانی»^۳ (سوچمن^۴، ۱۹۹۵) استوار است. نظریه علامت‌دهی بیان می‌کند که در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی، عاملان آگاه (نشریه‌ها) می‌توانند با ارسال سیگنال‌هایی (نشانه‌ها) اطلاعات پنهان خود را به عاملان ناآگاه (پژوهشگران و خوانندگان) منتقل کنند. در اینجا، رتبه بالاتر نشریه، به مثابه یک سیگنال قوی از کیفیت و اعتبار بالای آن نشریه عمل می‌کند. این سیگنال نه تنها بیانگر فرایندهای داوری سخت‌گیرانه و گزینشی مقاله‌ها است، بلکه نشان‌دهنده پشتوانه نهادی و نظارتی قوی است که تضمین‌کننده رعایت استانداردهای علمی بالا است. پژوهشگران برجسته تمایل دارند آثار با کیفیت خود را به نشریه‌های معتبر ارسال کنند که این موضوع خود به چرخه مثبت کیفیت دامن می‌زند. نظریه اعتبار سازمانی نیز بر این مفهوم تأکید دارد که سازمان‌ها (در اینجا، نشریه‌های علمی) برای بقا و موفقیت، به کسب و حفظ مشروعیت و اعتبار از سوی محیط نیاز دارند. کسب رتبه بالا از سوی یک نهاد رسمی و نظارتی مانند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به نشریه اعتبار و مشروعیت نهادی می‌بخشد. این اعتبار، نشریه را در چشم جامعه علمی و حرفه‌ای موجه و قابل اعتماد جلوه می‌دهد. انتظار می‌رود نشریه‌هایی که از چنین اعتباری برخوردار هستند، برای حفظ و تقویت جایگاه خود، تلاش مضاعفی برای تضمین کیفیت مقاله‌های منتشرشده داشته باشند؛ به‌ویژه در مورد پژوهش‌های کیفی که معیارهای ارزیابی آن‌ها ممکن است پیچیده‌تر و کمتر استاندارد شده باشد. این نشریه‌ها با اعمال فرایندهای داوری دقیق‌تر، آموزش داوران و جذب هیئت‌تحریریه متخصص، سطح مقاله‌های کیفی خود را ارتقا می‌دهند؛ بنابراین، باتکیه بر این دو نظریه، انتظار می‌رود رابطه مثبتی بین رتبه نشریه و امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی منتشرشده وجود داشته باشد. نشریه‌های با رتبه بالاتر، به دلیل قابلیت سیگنال‌دهی قوی‌تر و نیاز به حفظ اعتبار نهادی، استانداردهای سخت‌گیرانه‌تری را برای پذیرش مقاله‌های کیفی اعمال می‌کنند و مقاله‌هایی با کیفیت بالاتری را به چاپ می‌رسانند. در نتیجه، فرضیه چهارم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه چهارم: بین رتبه نشریه و امتیاز ارزیابی کیفیت مقاله‌های کیفی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

رابطه رتبه علمی و پُر استناد بودن نویسنده مسئول مقاله و امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی

این بخش بر اساس «نظریه سرمایه انسانی»^۵ (بکر^۶، ۱۹۶۴) و «نظریه سرمایه اجتماعی»^۷ (بورديو^۸، ۱۹۸۶) قابل توضیح است. این دو نظریه در کنار هم، تبیین جامعی از چگونگی رابطه رتبه علمی نویسنده و کیفیت مقاله‌های کیفی ارائه می‌دهد. نظریه سرمایه انسانی بر این ایده متمرکز است که مهارت‌ها، دانش، تجربه، و توانایی‌های یک فرد، نوعی «سرمایه» محسوب می‌شود. در محیط دانشگاهی، رتبه علمی بالاتر (مانند دانشیار یا استاد تمام) نشان‌دهنده انباشت بیشتر سرمایه انسانی است. این انباشت شامل دانش تخصصی عمیق‌تر، تجربه روش‌شناختی گسترده‌تر، و مهارت‌های تحلیلی و نگارشی پیشرفته است که این عوامل، به صورت مستقیم به

1. Signaling Theory
2. Spence
3. Organizational Legitimacy Theory
4. Suchman
5. Human Capital Theory
6. Becker
7. Social Capital Theory
8. Bourdieu

توانایی نویسنده در انجام پژوهش‌های کیفی با دقت‌تر، عمیق‌تر، و دارای نوآوری بیشتر منجر می‌شود که در نهایت کیفیت مقاله را ارتقا می‌دهد.

نظریه سرمایه اجتماعی نیز به شبکه‌های روابط، اعتماد، هنجارها، و منابعی اشاره دارد که افراد با عضویت در گروه‌های اجتماعی به دست می‌آورند. در حوزه دانشگاهی، رتبه علمی بالاتر بیشتر با سرمایه اجتماعی بالاتر همراه است. این سرمایه اجتماعی شامل دسترسی گسترده‌تر به منابع علمی، ارتباط با پژوهشگران برجسته، و قابلیت جذب داوران و ویراستاران متخصص است (از دیدگاه هم‌تراز خوانی) که این اشکال از سرمایه اجتماعی، محیطی مساعد برای تولید پژوهش‌های کیفی با استانداردهای بالاتر فراهم می‌آورد.

با در نظر گرفتن این دو نظریه، می‌توان انتظار داشت که رابطه مثبتی بین رتبه علمی نویسنده مسئول مقاله و امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی منتشر شده وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، نویسندگانی با رتبه‌های علمی بالاتر، به دلیل انباشت بیشتر سرمایه انسانی و اجتماعی، توانایی بیشتری در تولید مقاله‌هایی دارند که معیارهای کیفیت پژوهش‌های کیفی را به نحو مطلوب‌تری رعایت می‌کنند. همچنین، ویژگی‌های فردی آنان نیز در کیفیت پژوهش مؤثر است (هانسن، جورگنسن، و لارسن^۱، ۲۰۱۸). در نتیجه فرضیه پنجم به شرح زیر است:

فرضیه پنجم: بین رتبه علمی نویسنده مسئول و امتیاز ارزیابی کیفیت مقاله‌های کیفی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

همان‌گونه که اشاره شد، نظریه سرمایه انسانی (بکر، ۱۹۶۴) بیانگر انباشت دانش، مهارت، و تجربه است که در محیط دانشگاهی با رتبه‌های علمی بالاتر نمایان می‌شود. پُراستناد بودن یک نویسنده نیز خود شاهدی بر عمق دانش، تخصص، مهارت‌های پژوهشی، و تأثیرگذاری علمی او است. نویسندگانی که دارای تعداد استناد بالایی هستند، به‌گونه معمول به دلیل نوآوری، دقت روش‌شناختی، و اهمیت محتوایی آثار پیشین خود، به این جایگاه رسیده‌اند. این عوامل، همه به افزایش سرمایه انسانی آن‌ها و در نتیجه، توانایی در تولید مقاله‌های کیفی با استانداردهای بالا کمک می‌کند. در نتیجه، فرضیه ششم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه ششم: بین پُراستناد بودن نویسنده مسئول و امتیاز ارزیابی کیفیت مقاله‌های کیفی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

رابطه نوع دانشگاه نویسنده مسئول و امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی

این فرضیه بر پایه «نظریه منابع سازمانی^۲» که اسکات^۳ (۲۰۰۸) آن را تبیین کرده است، قرار دارد. این نظریه بیان می‌کند که سازمان‌ها برای دستیابی به اهداف و کسب مزیت، به مجموعه‌ای از منابع (شامل منابع مادی و غیرمادی) نیاز دارند و این منابع در عملکرد آن‌ها نقش کلیدی ایفا می‌کند. در زمینه پژوهش‌های دانشگاهی، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی همچون سازمان‌هایی عمل می‌کنند که دارای سطوح متفاوتی از منابع هستند. این منابع نه تنها شامل منابع مادی مانند بودجه‌های پژوهشی، امکانات کتابخانه‌ای غنی، دسترسی به پایگاه‌های داده، و نرم‌افزارهای تخصصی و زیرساخت‌های آزمایشگاهی یا میدانی است، بلکه منابع غیرمادی مانند فرهنگ پژوهشی حاکم بر دانشگاه، وجود استادان برجسته، و راهنمایان مجرب و شبکه‌های همکاری علمی داخلی و بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد. نویسندگان وابسته به دانشگاه‌های دارای رتبه بالاتر یا با منابع غنی‌تر، از حمایت‌های سازمانی گسترده‌تری برای انجام پژوهش‌های خود بهره‌مند می‌شوند. این حمایت‌ها به‌ویژه در مورد پژوهش‌های کیفی که اغلب پیچیده،

1. Hanssen, Jørgensen and Larsen
2. Organizational Resource Theory
3. Scott

زمان‌بر، و نیازمند دسترسی به اطلاعات عمیق و تخصصی هستند، حیاتی است. این دسترسی به منابع و حمایت‌های سازمانی، به نویسندگان امکان می‌دهد تا پژوهش‌های کیفی را با کیفیت روش‌شناختی بالاتر، عمق تحلیلی بیشتر، و دقت فزاینده انجام دهند؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت که رابطه مثبتی بین نوع دانشگاه نویسنده (به‌ویژه دانشگاه‌هایی با منابع غنی‌تر یا رتبه بالاتر) و امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی منتشر شده از سوی آن‌ها وجود داشته باشد. در نتیجه فرضیه هفتم به شرح زیر است:

فرضیه هفتم: بین نوع دانشگاه نویسنده مسئول و امتیاز ارزیابی کیفیت مقاله‌های کیفی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

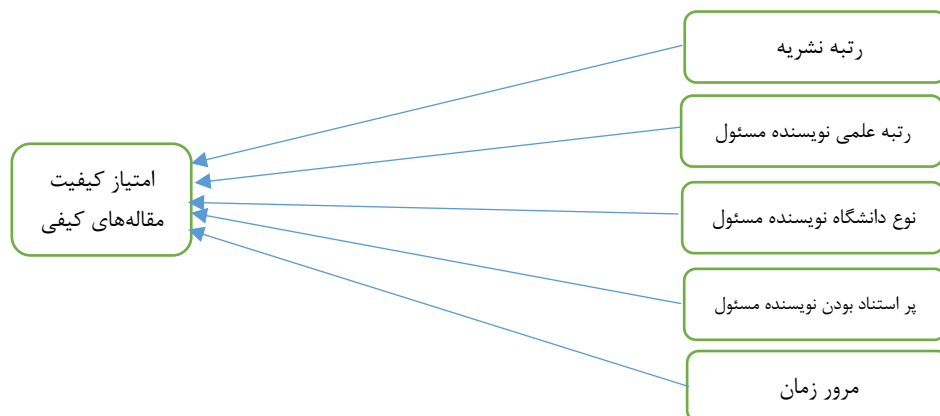
رابطه بهبود کیفیت مقاله‌های کیفی و مرور زمان (یادگیری پژوهشگران)

این بخش بر مبنای «نظریه یادگیری سازمانی»^۱ که آرگریس و شون^۲ (۱۹۷۸) مطرح کردند، قرار دارد. نظریه یادگیری بر این ایده تأکید دارد که سازمان‌ها (در این مورد، جامعه علمی مانند جامعه پژوهشی حسابداری) می‌توانند از تجربه خود یاد بگیرند. یادگیری سازمانی فراتر از یادگیری فردی است و به فرایندهای جمعی مانند اشتراک دانش، ایجاد رویه‌های جدید، و بازنگری در هنجارها و باورها اشاره دارد. با گذشت زمان، جامعه پژوهشی حسابداری ایران به‌صورت فزاینده‌ای درگیر انجام، داوری، و انتشار پژوهش‌های کیفی شده است. این افزایش تجربه به درک عمیق‌تر از معیارهای کیفیت، بهبود شیوه‌ها، و بازخورد و اصلاح مستمر منجر می‌شود. باتکیه بر این نظریه، پیش‌بینی می‌شود که رابطه مثبت و معناداری بین گذر زمان و ارتقای تدریجی کیفیت مقاله‌های کیفی منتشر شده در حوزه حسابداری ایران وجود داشته باشد. این فرایند یادگیری جمعی و انتشار دانش، به جامعه پژوهشی امکان می‌دهد تا به‌گونه مداوم استانداردهای خود را بهبود بخشند و مقاله‌های کیفی باکیفیت‌تری را تولید کند. در نتیجه فرضیه هشتم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه هشتم: با مرور زمان، یادگیری پژوهشگران بهبود یافته و کیفیت مقاله‌های کیفی افزایش یافته است.

این پژوهش، برخلاف بسیاری از مطالعه‌های پیشین که از معیارهای کلی یا نظری بهره می‌برد، از یک الگوی ارزیابی جامع و از پیش تدوین شده (کردستانی و رجب‌دري، ۱۴۰۴) استفاده می‌کند. این الگو به‌صورت خاص برای سنجش ابعاد مختلف کیفیت در مقاله‌های کیفی حسابداری در کشور طراحی و اعتبارسنجی شده است. این مطالعه با تمرکز بر مقاله‌های کیفی منتشر شده در نشریه‌های داخلی حسابداری، به یک نیاز بومی و مبرم در این حوزه پاسخ می‌دهد و بینش‌های کاربردی و متناسب با بافت فرهنگی و پژوهشی ایران را ارائه می‌کند. پژوهش حاضر فراتر از ارزیابی کیفیت مقاله‌های، به واکاوی رابطه نظام‌مند بین ویژگی‌های نهادی نشریه مانند رتبه و ویژگی‌های فردی نویسنده مانند رتبه علمی و نوع دانشگاه با امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی می‌پردازد. این تحلیل می‌تواند برای سیاست‌گذاران و سردبیران در برگزیدن تصمیم‌های استراتژیک برای ارتقای کیفیت پژوهش‌های کیفی بسیار راهگشا باشد. با استفاده از الگوی ارزیابی، جنبه‌های کیفی مقاله‌ها به مقیاس‌های قابل اندازه‌گیری تبدیل می‌شود. این رویکرد امکان انجام تحلیل‌های آماری پیشرفته و ارائه تصویری کمی و قابل مقایسه از کیفیت مقاله‌های کیفی را فراهم می‌آورد که در نوع خود کمتر سابقه دارد. در نهایت، این پژوهش به سؤال‌های مهمی پاسخ می‌دهد که در ادبیات موجود به آن‌ها پرداخته نشده است، از جمله سطح واقعی کیفیت مقاله‌های کیفی در نشریه‌های علمی، رابطه عوامل نهادی و فردی با کیفیت و روند تغییر کیفیت در طول زمان که بدین ترتیب به پر کردن شکافی اساسی در ادبیات پژوهش‌های حسابداری کمک می‌کند.

شکل ۱، الگوی مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

این الگو نشان می‌دهد که متغیرهای نوع رتبه نشریه، رتبه علمی نویسنده مسئول، نوع دانشگاه نویسنده مسئول، پر استناد بودن نویسنده مسئول، و گذر زمان (سال انتشار) به‌عنوان عوامل مستقل، می‌توانند بر امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی (متغیر وابسته) تأثیرگذار باشند. هدف این پژوهش، سنجش این روابط و تبیین میزان رابطه هر یک از این عوامل با امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با «فهرست ارزیابی مقاله‌های کیفی حسابداری» (کردستانی و رجب‌دری، ۱۴۰۴) به ارزیابی امتیاز مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری می‌پردازد. هم‌سو با پیاز پژوهش کیفی ارائه‌شده کردستانی و رجب‌دری (۱۴۰۴)، لایه اول این پژوهش از پارادایم تفسیری استفاده می‌کند. در لایه دوم از استفهام استفاده کرده است. با توجه به لایه سوم مشخص شد که این پژوهش به‌صورت کیفی است. در لایه چهارم نیز شامل کیفی واحد است. هم‌سو با لایه پنجم نیز مقطعی است. در لایه ششم نیز از متن مقاله‌های بررسی‌شده برای ارزیابی استفاده شده است.

جامعه پژوهش حاضر کلیه مقاله‌هایی است که با روش کیفی یا آمیخته انجام شده و در نشریه‌های علمی تأییدشده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر شده است. علت این امر آن است که نشریه‌های پژوهشی دارای کیفیت بالاتری نسبت به سایر نشریه‌های مشابه هستند و از استانداردهای بالاتری پیروی می‌کنند. دوره بررسی نیز از ابتدای سال ۱۳۹۹ تا انتهای سال ۱۴۰۳ است. علت انتخاب این دوره زمانی آن است که انتظار می‌رود در سال‌های اخیر، با افزایش آگاهی از اهمیت پژوهش‌های کیفی در رشته حسابداری و توسعه دانش روش‌شناختی مرتبط، کیفیت این مقاله‌ها نیز دستخوش تغییر و بهبود شده باشد. بررسی این بازه زمانی، امکان رصد روندهای بهبود یا چالش‌های پایدار در کیفیت مقاله‌های کیفی را فراهم می‌کند و دیدگاهی به‌روز از وضعیت جاری ارائه می‌دهد. همچنین این بازه زمانی و مکان بررسی، حجم مناسبی از مقاله‌های کیفی را فراهم می‌آورد که برای یک مطالعه عمیق و جامع (بدون نمونه‌گیری) کفایت می‌کند و امکان تحلیل‌های کمی و کیفی دقیق را فراهم می‌سازد. برای این منظور با مراجعه به تک تک شماره‌های نشریه‌های یادشده، ابتدا مقاله‌های موردنظر دریافت و سپس ارزیابی شد. همچنین، در راستای افزایش دقت و اجتناب از خطای نمونه‌گیری، هیچ‌گونه نمونه‌گیری به عمل نیامد و جامعه و نمونه یکسان در نظر گرفته شد.

در ادامه برای پیشبرد اهداف پژوهش از الگوی تهیه شده کردستانی و رجب‌دری (۱۴۰۵) به‌صورت عملیاتی استفاده شد. در پژوهش آن‌ها، براساس تحلیل مضمون ۵۳ مقاله مرتبط با هدف پژوهش، الگوی اولیه تهیه شد. سپس با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و کسب نظر از هشت نفر خبرگان به روش دلفی، الگو اصلاح و در نهایت با انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با هفت نفر از متخصصان، اجزای چارچوب ارزیابی مقاله‌های کیفی حسابداری تهیه شد. جدول ۱، فهرست گویه‌های ارزیابی مقاله‌های کیفی در حسابداری را نشان می‌دهد که برای ارزیابی امتیاز مقاله‌ها از آن استفاده شد.

جدول ۱. چارچوب ارزیابی مقاله‌های کیفی در حسابداری (کردستانی و رجب‌دری، ۱۴۰۵)

ردیف	مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
۱	عنوان	۱- گویایی	۱- عنوان به‌صورت خبری، گویا، مختصر، و جذاب و بدون واژه‌های مترادف باشد.
		۲- مفاهیم کلیدی	۲- به همه مفاهیم کلیدی پدیده مطالعه در عنوان اشاره شود.
		۳- به طرح و رویکرد و واژه‌های مناسب پژوهش کیفی	۳- طرح و رویکرد اصلی پژوهش از عنوان قابل درک باشد و حاوی واژه‌های کلیدی پژوهش کیفی نیز باشد. برای نمونه به‌جای تأثیر یا بررسی که بیشتر در پژوهش‌های کمی کاربرد دارد، از واژه‌های مرتبط با پژوهش کیفی مانند واکاوی، تبیین، کشف، یا شناسایی استفاده شود.
		۴- حذف عبارتهای اضافی از عنوان	۴- اشاره به زمان و مکان پژوهش لازم نیست.
۲	چکیده و کلیدواژه‌ها	۱- هدف و ضرورت	۱- هدف اصلی و ضرورت پژوهش به‌صورت مختصر شامل شکاف دانشی یا مشکل عملی که پژوهش در تلاش است آن را حل کند، ارائه شود.
		۲- روش پژوهش	۲- طرح پژوهشی شامل شیوه نمونه‌گیری، نحوه جمع‌آوری داده‌ها، و روش تحلیل داده‌ها ارائه شود. اشاره به زمان، مکان، نرم‌افزار، و نوع آزمون آماری (در صورت وجود) و جمله‌های کلیشه‌ای برای نمونه، این پژوهش کاربردی و از نظر نوع علی-همبستگی است، لازم نیست.
		۳- بیان یافته‌ها	۳- مهمترین یافته‌های کلیدی پژوهش ارائه شود.
		۴- نتیجه‌گیری	۴- نتیجه‌گیری مبتنی بر یافته‌ها به‌صورت کاربردی بیان شود.
		۵- دانش افزایی	۵- به دانش افزایی علمی و کاربردی اشاره شود.
		۶- کلیدواژه‌ها	۶- کلیدواژه‌های پژوهش مرتبط با عنوان، هدف، و روش پژوهش ارائه شود و به‌صورت جامع محتوای مقاله را پوشش دهد و برای جست‌وجو مناسب باشد.
		۷- تعداد کلیدواژه‌ها به گونه معمول ۳ تا ۷ کلید واژه باشد.	۷- تعداد کلیدواژه‌ها به گونه معمول ۳ تا ۷ کلید واژه باشد.
۳	مقدمه	۱- زمینه و هدف پژوهش	۱- ورود به بحث و تبیین زمینه پژوهش انجام شود.
		۲- خلاصه و ضرورت پژوهش	۲- هدف اصلی و سؤال‌های پژوهش یا هدف کلی و سؤال‌های جزئی به‌صورت شفاف بیان شود.
		۳- بیان مسئله پژوهش	۳- با اشاره به سوابق پژوهشی موجود و تحلیل انتقادی آن‌ها، ضرورت انجام پژوهش متناسب با نیازها، محیط، و حوزه موردنظر بررسی تشریح شود.
		۴- روش	۴- براساس تحلیل انتقادی سوابق موضوع و ادبیات مرتبط، مسئله بیان شود. مسئله پژوهش بدیع و نوآور باشد و سؤال و مسئله پژوهش مطابق با فرضیه (در صورت وجود)، هدف و عنوان پژوهش باشد.
		۵- دانش افزایی	۵- روش پاسخ به سؤال‌های پژوهش بیان شود.
		۶- ساختار	۶- به دانش افزایی و پر کردن شکاف دانشی به‌صورت دقیق و متناسب با نیازهای روز به‌صورت علمی و کاربردی بیان شود.
		۷- ساختار	۷- ساختار مقاله معرفی شود.
۴	مبانی نظری، پیشینه و فرضیه‌ها	۱- تعریف متغیرها	۱- به تعریف نظری متغیرها پرداخته شود.
		۲- چارچوب نظری	۲- چارچوب نظری به‌صورت واضح تبیین و نظریه‌های مهم و مرتبط را پوشش دهد.
		۳- پشتوانه نظری فرضیه‌ها یا شرح سؤال	۳- برای هر فرضیه یا سؤال، پشتوانه نظری جداگانه ارائه شود.
		۴- نظریه‌های موافق و مخالف	۴- در صورت وجود نظریه‌های مخالف، مبتنی بر شواهد و استدلال پیرامون آن بحث شود.

ردیف	مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	
		۵- ارتباط نظریه با مسئله پژوهش	۵- بین نظریه‌ها با مسئله پژوهش ارتباط منطقی برقرار شود.	
		۶- فرضیه‌ها (در صورت فرضیه-محور بودن)	۶- در صورت نبود نظریه‌های رقیب، فرضیه‌ها به‌صورت جهت‌دار تنظیم شود.	
			۷- در فرضیه‌ها به‌جای ارتباط از واژه صحیح رابطه استفاده شود.	
			۸- سیر بررسی پیشینه به‌صورت جامع، مرتبط، و باتوجه‌به موضوع بررسی انجام شود.	
			۹- پیشینه پژوهش به سؤال‌ها یا اهداف پژوهش منجر شود.	
			۱۰- از ارائه پیشینه به‌صورت تفکیکی و گزارشی خودداری شود.	
			۱۱- در انتهای مبانی نظری، پیشینه به‌صورت تحلیلی جمع‌بندی و نوآوری پژوهش با تأکید بر تمایز پژوهش‌های پیشین با مطالعه حاضر برجسته شود.	
			۸- الگوی مفهومی (در صورت لزوم)	۱۲- الگوی مفهومی به‌صورت واضح و شامل همه متغیرها و روابط ترسیم شود.
			۱- پیاز پژوهش کیفی	۱- در بیان روش، لایه‌های مختلف پیاز پژوهش کیفی تشریح شود.
			۲- ارتباط روش و هدف	۲- بین روش و هدف پژوهش، ارتباط منطقی برقرار شود.
		۵	روش‌شناسی و روش	۳- درج نکردن جمله‌های کلیشه‌ای
۴- توجه به جزئیات	۴- شیوه بیان روش پژوهش به‌حدی شفاف باشد که خواننده بتواند آن را اجرا کند.			
۵- رویکرد اخلاقی	۵- به رویکردهای اخلاقی برای نمونه محرمانگی، سوء استفاده نکردن از یافته‌ها و موارد مشابه در حین اجرای پژوهش اشاره شود.			
۶- جامعه و نمونه	۶- جامعه بررسی مطابق با هدف پژوهش انتخاب و تشریح شود.			
	۷- روش نمونه‌گیری به‌صورت دقیق تشریح شود.			
	۸- علت انتخاب نمونه به‌صورت دقیق بیان شود.			
	۹- نمونه دارای کفایت یا اشباع نظری باشد.			
	۱۰- به زمان و مکان بررسی با علت اشاره شود.			
	۷- میانجی و تعدیل‌گر (در صورت وجود)			۱۱- در صورت وجود متغیر تعدیل‌گر و میانجی، به مبانی نظری و روش‌های آن اشاره شود.
	۸- متغیر کنترلی (در صورت وجود رابطه علی)			۱۲- پژوهش برای درک بهتر با آزمون متغیر کنترلی انجام و مبانی نظری آن درج شود.
	۹- سنجش متغیرها			۱۳- به قابلیت اعتماد و تأییدپذیری ابزارها به‌صورت دقیق توجه شود.
		۱۴- شیوه سنجش متغیرها به‌صورت عملیاتی گفته شود.		
		۱۵- داده‌های بررسی دارای کفایت لازم باشد.		
		۱۶- از نرم‌افزار مناسب (در صورت وجود) و مطابق با روش، استفاده، و علت آن نیز بیان شود.		
		۱۷- علت استفاده از روش تحلیل استفاده‌شده برای پاسخ به فرضیه یا سؤال‌های پژوهش، توجیه شود.		
۶	یافته‌ها	۱- توصیف نمونه	۱- توصیف آماری نمونه شامل همه موارد بررسی باشد.	
			۲- در صورت استفاده از روش تحلیل یا آزمون آماری، به شیوه صحیح باشد.	
			۳- یافته‌های کلی پژوهش و فرضیه‌ها یا سؤال‌ها به‌صورت جداگانه، روشن، و با جزئیات کافی آورده شود.	
			۲- تحلیل فرضیه یا سؤال	۴- به رد شدن یا رد نشدن هر فرضیه یا تبیین و تحلیل سؤال اشاره شود.
				۵- برای هر فرضیه یا سؤال مقایسه موارد هم‌سو و غیر هم‌سو در این بخش ارائه شود نه در بحث و نتیجه‌گیری.
			۳- الگو	۶- در صورت وجود الگو، یافته‌ها با الگوی پژوهش تطابق داده شود.
				۷- در صورتی که خروجی پژوهش به‌صورت الگو است، الگو روشن و دقیق تشریح شود.
			۴- یافته‌ها	۸- یافته‌ها تا جای ممکن در قالب شکل و جدول ارائه شود.

ردیف	مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه		
۷	بحث و نتیجه گیری	۱- ارائه مجدد هدف و دانش افزایی پژوهش	۱- در آغاز بحث و نتیجه‌گیری به هدف و دانش افزایی پژوهش اشاره شود.		
		۲- تفسیر فرضیه یا سؤال	۲- دلایل وجود یافته‌ها (در صورت داشتن فرضیه به صورت معنادار، غیر معنادار، هم‌سو، و ناهم‌سو و در صورت داشتن سؤال، تشریح یا بسط هر سؤال) ارائه شود.	۲- دلایل وجود یافته‌ها (در صورت داشتن فرضیه به صورت معنادار، غیر معنادار، هم‌سو، و ناهم‌سو و در صورت داشتن سؤال، تشریح یا بسط هر سؤال) ارائه شود.	
			۳- تفسیر پژوهش‌های موافق و مخالف، مطابق با محیط بررسی آورده شود.	۳- تفسیر پژوهش‌های موافق و مخالف، مطابق با محیط بررسی آورده شود.	
			۴- یافته‌های هر فرضیه یا سؤال با نظریه‌های مرتبط تطبیق داده شود.	۴- یافته‌های هر فرضیه یا سؤال با نظریه‌های مرتبط تطبیق داده شود.	
			۵- نتیجه‌گیری ارائه‌شده با روش پژوهش هم‌سویی داشته باشد.	۵- نتیجه‌گیری ارائه‌شده با روش پژوهش هم‌سویی داشته باشد.	
			۶- در تفسیر یافته‌ها به عوامل زمان، مکان، فرهنگ، و موارد مشابه توجه شود.	۶- در تفسیر یافته‌ها به عوامل زمان، مکان، فرهنگ، و موارد مشابه توجه شود.	
			۷- یافته‌های هر فرضیه یا سؤال ارائه راه‌حل کنند.	۷- یافته‌های هر فرضیه یا سؤال ارائه راه‌حل کنند.	
			۸- یافته‌ها دارای پیشنهاد کاربردی و عملیاتی به ذی‌نفعان باشد.	۸- یافته‌ها دارای پیشنهاد کاربردی و عملیاتی به ذی‌نفعان باشد.	
		۳- عملیاتی شدن یافته‌ها	۹- به پژوهشگران آتی پیشنهاد عملی داده شود.	۹- به پژوهشگران آتی پیشنهاد عملی داده شود.	
			۴- محدودیت‌ها	۱۰- محدودیت‌های روش پژوهش برای دستیابی به اهداف موردنظر به صورت انتقادی بیان شود.	۱۰- محدودیت‌های روش پژوهش برای دستیابی به اهداف موردنظر به صورت انتقادی بیان شود.
				۱۱- محدودیت‌های جامعه و نمونه بیان شود.	۱۱- محدودیت‌های جامعه و نمونه بیان شود.
				۱۲- محدودیت‌های ابزارهای بررسی بیان شود.	۱۲- محدودیت‌های ابزارهای بررسی بیان شود.
				۱۳- به محدودیت‌های پژوهشگر مانند محدودیت زمانی و منابع اشاره شود.	۱۳- به محدودیت‌های پژوهشگر مانند محدودیت زمانی و منابع اشاره شود.
۱- منابع کفایت و غنای منابع	۱- منابع کفایت و غنای لازم را از دیدگاه روزآمد بودن، جامعیت، و مرتبط بودن با موضوع پژوهش داشته باشد.				
۸	منابع	۲- منبع‌دهی	۲- منبع‌دهی به صورت صحیح، یکدست، و مطابق با شیوه‌نامه نشریه باشد.		
		۳- درج همه منابع	۳- همه منابع استفاده‌شده در فهرست منابع موجود باشد.		
		۱- شیوایی در بیان	۱- در لحن بیان متن، شیوایی و رسایی وجود داشته باشد. برای نمونه از به‌کاربردن جمله‌های طولانی یا کلمه‌های پیچیده جلوگیری شود.		
۹	سایر موارد	۲- اصطلاح‌ها	۲- از درج کلمه‌های قضاوتی مانند خوشبختانه یا متأسفانه جلوگیری شود.		
		۳- رعایت فاصله	۳- اصطلاح‌های بررسی شده به صورت صحیح ترجمه شود.		
		۴- علائم سجاوندی	۴- اصطلاح‌های اشاره‌شده برای اولین بار زیرنویس شود.		
		۵- ارتباط عمودی متن	۵- فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها رعایت شود.		
		۶- تضاد منافع	۶- از علائم سجاوندی و نگارشی به صورت صحیح استفاده شود.		
		۷- ملاحظه اخلاقی	۷- متن دارای ارتباط عمودی و پیوسته باشد.		
		۸- حمایت مالی	۸- به نبود تضاد منافع در انتهای مقاله اشاره شود.		
		۹- سهم مشارکت نویسندگان	۹- به ملاحظه‌های اخلاقی مانند رضایت آگاهانه، حفظ حریم خصوصی و محرمانگی، و موارد مشابه (در صورت وجود) در انتهای مقاله اشاره شود.		
		۱۰- جدول و شکل‌ها	۱۰- حمایت مالی	۱۰- به حامیان مالی در صورت وجود یا نبود، در انتهای مقاله اشاره شود.	
			۱۱- سهم مشارکت نویسندگان	۱۱- به سهم مشارکت هر یک از نویسندگان در انتهای مقاله اشاره شود.	
				۱۲- جدول‌ها و شکل‌ها به صورت صحیح، در جای مناسب (نزدیک به بحث پیرامون آن) و با اشاره به آن در متن درج شود.	۱۲- جدول‌ها و شکل‌ها به صورت صحیح، در جای مناسب (نزدیک به بحث پیرامون آن) و با اشاره به آن در متن درج شود.

برای بررسی امتیاز مقاله‌ها نیز با مطالعه هر یک از مقاله‌ها، موارد مثبت در آن‌ها علامت‌گذاری و جمع جبری شد. به این صورت که با توجه به وجود ۸۳ گویه، هر مقاله می‌تواند عددی بین ۰ (بیشترین ایراد) و ۸۳ (کمترین ایراد) را به خود اختصاص دهد. برای بررسی سایر متغیرها نیز به شرح زیر عمل شد.

وابستگی سازمانی نویسنده مسئول: دانشگاه دولتی ۲، سایر مراکز و دانشگاه‌ها ۱.

رتبه نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد ۱، کارشناسی ارشد ۲، مربی ۳، دانشجوی دکتری ۴، دکتری ۵، پسادکتری ۶، استادیار ۷، دانشیار ۸، استاد ۹، استاد ممتاز ۱۰.

رتبه نشریه بر اساس سایت نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: الف ۳، ب ۲، ج ۱. پُر استناد بودن نویسنده مسئول بر اساس اطلاعات منتشرشده مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC) که در صورت پُر استناد بودن ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شد.

پیرامون قابلیت اعتماد نیز یادآوری می‌شود که ارزیابی‌کننده ضمن آشنایی با پژوهش‌های کیفی، قضاوت یکسانی در مورد نحوه کاربرد گویه‌ها، تفسیر آن‌ها، و فرایند امتیازدهی داشت. در زمینه تأییدپذیری نیز ارزیابی بدون هرگونه سوگیری انجام شد و در انتها نیز برای اطمینان از درستی داده‌ها، برخی از ارزیابی‌ها مجدد به صورت تصادفی انجام گرفت تا احتمال خطا کاهش یابد. همچنین، باتوجه به اینکه پژوهش حاضر به تحلیل و ارزیابی مقاله‌های علمی منتشرشده می‌پردازد و به صورت مستقیم شامل جمع‌آوری داده از مشارکت‌کنندگان انسانی نیست، ملاحظه‌های اخلاقی به صورت عمده بر رعایت اصول علمی و صداقت پژوهشی در فرایند ارزیابی و گزارش‌دهی یافته‌ها متمرکز است. در این راستا، سوءاستفاده نکردن از یافته‌ها و رعایت بی‌طرفی، شفافیت و قابلیت ردیابی، و حفظ گمنامی نویسندگان مقاله‌ها به دقت در کانون توجه قرار گرفت. رعایت این اصول اخلاقی، به افزایش قابلیت اعتماد و اعتبار پژوهش حاضر کمک می‌کند و اطمینان می‌دهد که یافته‌ها به صورت مسئولانه و اخلاقی تولید و گزارش شده است.

در راستای آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز پس از جمع‌آوری اطلاعات و ورود به صفحه گسترده اکسل، از نرم‌افزار اسپاس نسخه ۲۲ استفاده شد که جدول ۲ جزئیات آن را نشان می‌دهد.

جدول ۲. جزئیات آزمون آماری فرضیه‌های پژوهش

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	علت انتخاب
۱	اول و دوم	آزمون t تک نمونه‌ای یا ویلکاکسون	مقایسه میانگین یک گروه از داده‌های پیوسته با یک مقدار مرجع یا نظری.
۲	سوم	تحلیل واریانس یک طرفه یا کروسکال والیس	مقایسه میانگین یک متغیر وابسته پیوسته بین سه یا چند گروه مستقل (سال‌های مختلف).
۳	چهارم تا هفتم	ضریب همبستگی پیرسون یا اسپیرمن	رابطه بین دو متغیر ترتیبی یا یک متغیر ترتیبی و یک متغیر پیوسته.
۴	هشتم	تحلیل رگرسیون	رابطه خطی بین یک متغیر وابسته پیوسته (کیفیت) و یک متغیر مستقل پیوسته/ترتیبی (سال).

۴. یافته‌ها

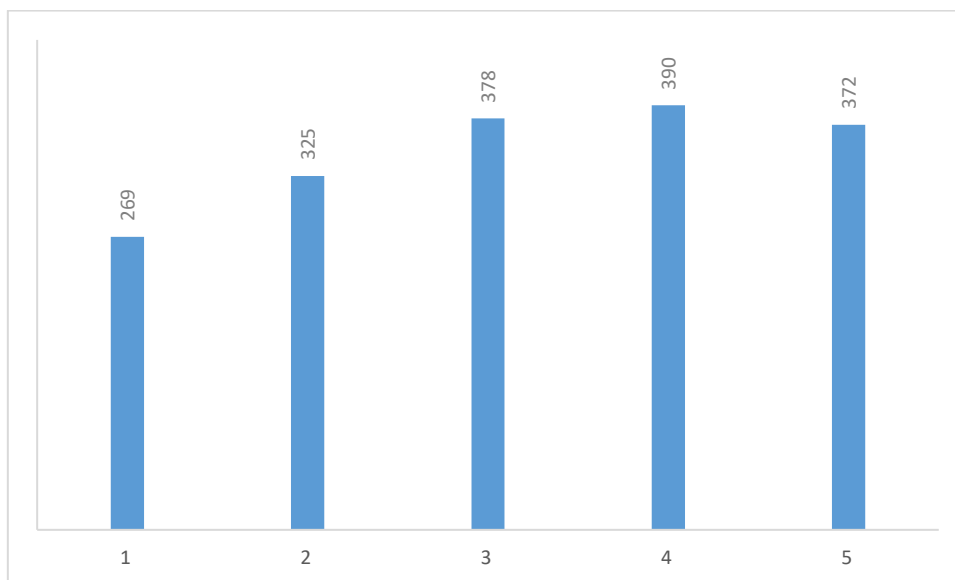
یافته‌ها نشان داد که از ۲۰ نشریه فارسی زبان دارای رتبه علمی در رشته حسابداری در بازه زمانی بررسی، ۱۷۳۴ مقاله کیفی منتشر شده است. جدول ۳ آمار توصیفی مقاله‌های موردبررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

ردیف	عنوان متغیر	شیوه سنجش	تعداد	جمع
۱	وابستگی سازمانی نویسنده مسئول	دانشگاه دولتی	۶۶۷	۱۷۳۴
		سایر مراکز و دانشگاه‌ها	۱۰۶۷	
۲		دانشجوی کارشناسی ارشد	۳	۱۷۳۴

ردیف	عنوان متغیر	شبهه سنجش	تعداد	جمع
	رتبه نویسنده مسئول	کارشناسی ارشد	۲۸	۳۱۸
		مربی	۶	
		دانشجوی دکتری	۸۷	
		دکتری	۴۰	
		پسادکتری	۳	
		استادیار	۸۱۸	
		دانشیار	۵۱۳	
		استاد	۲۲۱	
		استاد ممتاز	۱۵	
۳	پر استناد بودن نویسنده مسئول		۳۱۸	
۴	رتبه نشریه (بر اساس سال)	الف	۳۰	۱۷۴
		ب	۴۰	
		ج	۴	

این داده‌ها نشان می‌دهند از مجموع ۱۷۳۴ نویسنده مسئول، حدود ۶۱/۵ درصد به سایر مراکز و دانشگاه‌ها و ۳۸/۵ درصد به دانشگاه‌های دولتی وابسته بوده‌اند که نشان‌دهنده سهم بیشتر نویسندگان از سایر مراکز است. از نظر رتبه، استادیاران با حدود ۴۷/۲ درصد، دانشیاران با حدود ۲۹/۵ درصد، و استادان با حدود ۱۲/۸ درصد بیشترین سهم را در میان نویسندگان مسئول داشتند، درحالی‌که دانشجویان کارشناسی ارشد و پسادکتری کمترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. شکل ۲ نیز سیر انتشار مقاله‌های کیفی را در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.



شکل ۲. سیر انتشار مقاله‌های کیفی در نشریه‌های علمی حسابداری

۱. لازم به اشاره است که برخی نشریه‌ها در یک سال خاص دارای ارزیابی نبوده‌اند. همچنین، برخی دیگر از اواسط دوره بررسی راه‌اندازی شده و ارزیابی سال ۱۴۰۳ نیز همچنان انجام نشده است.

لازم به یادآوری است که سیر فزاینده پژوهش‌های کیفی در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ مشهود است که هم‌سو با مطالعه قناد و دیگران (۱۴۰۲) است. علت کاهش در سال ۱۴۰۳ نیز می‌تواند ناشی از تکمیل نشدن شماره زمستان برخی نشریه‌ها و نبود دسترسی به آن‌ها باشد.

در ادامه جدول ۴ امتیاز مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی بررسی شده را نشان می‌دهد.

جدول ۴. امتیاز مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری^۱

ردیف	نام	صاحب امتیاز	سال	رتبه ارزیابی	دوره	تعداد مقاله	میانگین امتیاز دوره	وضعیت نسبت به میانگین کل (۴۵/۳)	میانگین سال	وضعیت نسبت به میانگین سال ^۲
۱	بررسی‌های حسابداری و حسابرسی	دانشگاه تهران	۱۴۰۳	-	بهار	۴	۵۶/۲۵	بالتر	۵۴/۹۸	بالتر
					تابستان	۳	۵۴/۶۷	بالتر		
					پاییز	۳	۵۲/۳۴	بالتر		
					زمستان	۶	۵۶/۶۷	بالتر		
			۱۴۰۲	الف	بهار	۵	۵۸	بالتر	۶۲/۷۶	بالتر
					تابستان	۵	۵۳/۸۳	بالتر		
					پاییز	۴	۵۲	بالتر		
					زمستان	۴	۵۷/۲۵	بالتر		
			۱۴۰۱	الف	بهار	۳	۶۱/۶۷	بالتر	۵۸/۷	بالتر
					تابستان	۴	۶۳/۵۲	بالتر		
					پاییز	۵	۵۶/۴۱	بالتر		
					زمستان	۴	۵۳/۲۵	بالتر		
۱۴۰۰	الف	بهار	۲	۶۴/۵	بالتر	۶۰/۹۳	بالتر			
		تابستان	۴	۶۱/۲۵	بالتر					
		پاییز	۴	۵۶/۷۵	بالتر					
		زمستان	۴	۶۱/۲۵	بالتر					

فرضیه اول

در فرضیه اول با توجه به نرمال بوده داده‌ها، میانگین امتیاز نشریه‌های مختلف با مقدار میانگین کل (۴۵/۳) مقایسه شد که جدول ۵ خروجی نرم‌افزار را نشان می‌دهد.

۱. با توجه به حجم زیاد جدول ۴، تنها یک نشریه برای نمونه ارائه شده است.

۲. میانگین کل سال ۱۳۹۹: ۴۵/۶۵

میانگین کل سال ۱۴۰۰: ۴۵/۸۶

میانگین کل سال ۱۴۰۱: ۴۶/۱

میانگین کل سال ۱۴۰۲: ۴۶/۰۶

میانگین کل سال ۱۴۰۳: ۴۵/۸۶

جدول ۵. آزمون T تک نمونه‌ای فرضیه اول پژوهش

۴۵/۳ = میانگین ارزشی					متغیر
فاصله اطمینان ۹۵٪		تفاوت میانگین	معناداری	t	
بیشینه	کمینه				
۳/۷۸۱۷	-۲/۲۲۲۹	۰/۷۷۹۴	۰/۵۹۳	۰/۵۴۳	امتیاز میانگین

براساس یافته‌ها، تفاوت میانگین با مقدار آزمون از نظر آماری معنادار نیست و در نتیجه، فرضیه اول رد می‌شود. بدین معنا که بین میانگین امتیاز مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری، تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، امتیاز نشریه‌ها به صورت کلی حول میانگین (۴۵/۳) نوسان می‌کند و نمی‌توان گفت که به صورت معنادار از آن بالاتر یا پایین‌تر است. اولویت‌بندی این موضوع نیز در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. اولویت‌بندی امتیاز نشریه‌های بررسی شده

ردیف	عنوان نشریه	میانگین امتیاز	رتبه	وضعیت نشریه نسبت به میانگین کل (۴۵/۳)
۱	بررسی‌های حسابداری و حسابرسی	۵۸/۲۷	۱	بالاتر
۲	پژوهش‌های تجربی حسابداری	۵۱/۰۱	۵	بالاتر
۳	پژوهش‌های حسابداری مالی	۴۶/۶۳	۸	بالاتر
۴	پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی	۴۱/۰۲	۱۷	پایین‌تر
۵	پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی	۴۴/۰۹	۱۲	پایین‌تر
۶	پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای	۳۶/۷۸	۱۹	پایین‌تر
۷	پیشرفت‌های حسابداری	۴۲/۵۲	۱۴	پایین‌تر
۸	تحقیقات حسابداری و حسابرسی	۳۴/۴۷	۲۰	پایین‌تر
۹	حسابداری ارزشی و رفتاری	۳۹/۱۱	۱۸	پایین‌تر
۱۰	حسابداری دولتی	۴۴/۱۱	۱۱	پایین‌تر
۱۱	حسابداری مالی	۴۲/۵۹	۱۶	پایین‌تر
۱۲	حسابداری مدیریت	۴۴/۴۹	۱۰	پایین‌تر
۱۳	حسابداری و منافع اجتماعی	۵۲/۷۵	۴	بالاتر
۱۴	دانش حسابداری	۵۰/۰۹	۶	بالاتر
۱۵	دانش حسابداری مالی	۵۷/۴۳	۲	بالاتر
۱۶	دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت	۴۲/۸۸	۱۵	پایین‌تر
۱۷	دانش حسابرسی	۴۵/۱۸	۹	پایین‌تر
۱۸	قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری	۵۳/۷۸	۳	بالاتر
۱۹	مطالعات تجربی حسابداری مالی	۴۸/۲۸	۷	بالاتر
۲۰	مطالعات حسابداری و حسابرسی	۴۳/۸۷	۱۳	پایین‌تر

این بخش از یافته‌ها نشان داد که نشریه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی بیشترین امتیاز را داشته و نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی نیز دارای کمترین بوده است. یافته‌های این بخش در باب اهمیت ارزیابی مقاله‌ها هم‌سو با یافته‌های قناد و دیگران (۱۴۰۲ الف و ب) است.

فرضیه دوم

جدول ۷ یافته‌های مربوط به فرضیه دوم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۷. آزمون T تک نمونه‌ای فرضیهٔ دوم پژوهش

نتیجه	فاصله اطمینان ۹۵٪		معناداری	t	میانگین	اجزای مقاله
	بیشینه	کمینه				
رد	۰/۱۴۹۴	-۰/۱۳۸۱	۰/۹۳۴	۰/۱۹۰	۳/۲۰	عنوان
رد	۰/۳۸۴۳	-۰/۳۶۶۴	۰/۹۶۱	۰/۰۵۰	۴/۳۴	چکیده
رد	۰/۳۰۸۷	-۰/۲۹۶۶	۰/۹۶۷	۰/۰۴۲	۳/۴۱	مقدمه
رد	۰/۴۷۵۳	-۰/۴۷۴۴	۰/۹۹۸	۰/۰۰۲	۶/۶۱	مبانی نظری
رد	-۰/۶۷۱۹	-۰/۶۶۰۳	۰/۹۸۶	-۰/۰۱۸	۹/۱۹	روش
رد	۰/۳۲۶۳	-۰/۳۱۵۳	۰/۹۷۲	۰/۰۳۶	۴/۷۹	یافته‌ها
رد	۰/۵۹۳۵	-۰/۵۸۶۰	۰/۹۸۹	۰/۰۱۳	۵/۹۶	بحث
رد	-۰/۱۴۳۰	۰/۰۰۵۳	۰/۹۴۱	۰/۰۷۵	۲/۳۶	منابع
رد	۰/۵۶۸۳	-۰/۵۶۵۸	۰/۹۹۶	۰/۰۰۵	۶/۰۸	سایر (شیوایی در بیان، رعایت فاصله و...)

این بخش نیز نشان داد که بین میانگین امتیاز بخش‌های مختلف مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری تفاوت معناداری وجود ندارد که فرضیهٔ پژوهش رد می‌شود. همچنین، برای بررسی اینکه بیشترین ایراد در کدام بخش بوده است نیز پس از نرمال‌سازی (تقسیم میانگین به‌دست‌آمده بر تعداد گویه‌ها) اولویت‌بندی به دست آمد که جدول ۸ آن را نشان می‌دهد.

جدول ۸. اولویت‌بندی ایراد بخش‌های مختلف مقاله‌های بررسی‌شده

ردیف	متغیر	میانگین ارزشی	تعداد گویه‌ها	میانگین نرمال‌شده	ترتیب کمترین ایراد
۱	عنوان	۳/۲۰	۴	۰/۰۸۰	۱
۲	چکیده	۴/۳۴	۷	۰/۶۰۵	۳
۳	مقدمه	۳/۴۱	۷	۰/۴۸۷	۸
۴	مبانی نظری	۶/۶۱	۱۲	۰/۵۵۰	۵
۵	روش	۹/۱۹	۱۷	۰/۵۴۰	۶
۶	یافته‌ها	۴/۷۹	۸	۰/۵۹۸	۴
۷	بحث	۵/۹۶	۱۳	۰/۴۵۸	۹
۸	منابع	۲/۳۶	۳	۰/۷۸۶	۲
۹	سایر	۶/۰۸	۱۲	۰/۵۰۶	۷

این بخش از یافته‌ها نیز نشان داد که کمترین ایراد مربوط به «عنوان» و پس از آن «منابع» و «چکیده» است. این موضوع نشان می‌دهد که این بخش‌ها از کیفیت به نسبت بالاتری برخوردار بوده یا مشکل‌های کمتری داشته است. بیشترین ایراد نیز به‌ترتیب در «سایر موارد»، «مقدمه»، و «بحث و نتیجه‌گیری» بوده است که می‌تواند مبنایی برای بهبود کیفیت باشد.

فرضیهٔ سوم

در این فرضیه بررسی شد که آیا بین میانگین امتیاز مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری ایران، در سال‌های مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد؟ با توجه به نرمال نبودن داده‌ها از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. جدول ۹ یافته‌های این بخش را نشان می‌دهد.

جدول ۹. یافته‌های فرضیه سوم پژوهش با آزمون کروسکال والیس

معناداری	درجه آزادی	کروسکال والیس
۰/۴۰۷	۴	۳/۹۹۴

این یافته‌ها نشان داد که بین میانگین امتیاز مقاله‌های کیفی منتشر شده در نشریه‌های علمی حسابداری در سال‌های مختلف، تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه موردنظر رد می‌شود. بر این اساس نمی‌توان نتیجه گرفت که کیفیت مقاله‌های کیفی منتشر شده در نشریه‌های علمی حسابداری در طول سال‌های بررسی، تغییر معناداری داشته است. این مسئله نشان می‌دهد که روند کیفیت ثابت بوده یا نوسان آن تصادفی و غیرمعنادار بوده است. همان‌گونه که اشاره شد، رشد کمی و کیفی پژوهش‌های حسابداری و افزایش سهم مقاله‌های کیفی (قناد و دیگران، ۱۴۰۲) و افزایش آگاهی از اهمیت پژوهش‌های کیفی و توسعه دانش روش‌شناختی، انتظار بهبود کیفیت را ایجاد می‌کند که یافته حاضر، نشان‌دهنده ناهمسویی با این انتظار است؛ به عبارت دیگر، افزایش کمی و آگاهی لزوماً به بهبود معنادار کیفی منجر نشده است.

فرضیه چهارم تا هفتم

در ادامه برای بررسی فرضیه‌های موردنظر با توجه به نرمال نبودن داده‌ها، از ضریب همبستگی اسپرمن استفاده شد. جدول ۱۰ این یافته‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰. یافته‌های فرضیه چهارم تا ششم پژوهش

عنوان	نتیجه آماری
رتبه در وزارت	ضریب همبستگی ۰/۲۳۵**
	معناداری ۰/۰۰۱
رتبه نویسنده	ضریب همبستگی ۰/۰۵۹°
	معناداری ۰/۰۱۴
پُر استناد بودن نویسنده	ضریب همبستگی ۰/۰۴۴
	معناداری ۰/۰۰۶۴
دانشگاه نویسنده	ضریب همبستگی ۰/۲۵۹**
	معناداری ۰/۰۰۱

یافته‌ها نشان داد که با افزایش رتبه نشریه، افزایش رتبه علمی نویسنده و افزایش کیفیت دانشگاه نویسنده، کیفیت مقاله‌های کیفی به صورت معناداری افزایش می‌یابد که این فرضیه‌ها را نمی‌توان رد کرد. همچنین بین پر استناد بودن نویسنده و امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی، رابطه معناداری مشاهده نشد. این امر بر اهمیت کیفیت نشریه و ویژگی‌های علمی نویسندگان در ارتقای کیفیت پژوهش‌های حسابداری تأکید می‌کند. این یافته‌ها به صورت کلی با مواردی مانند هانسن و جورگنسن، و لارسن (۲۰۱۸) که به تأثیر کیفیت نشریه و ویژگی‌های علمی نویسندگان بر کیفیت پژوهش می‌پردازد، هم‌سو است که قدرت تعمیم‌پذیری این مفاهیم را در بافت حسابداری کشور نیز تأیید می‌کند.

فرضیه هشتم

فرضیه هشتم نیز به رابطه مرور زمان و یادگیری پژوهشگران پرداخت که جدول ۱۱ آن را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. رابطه مرور زمان و یادگیری پژوهشگران

مقدار	معیار
۰/۰۰۰	ضریب تعیین
۰/۶۵۳	معناداری
۰/۰۶۹	عرض از مبدأ

بر اساس این یافته‌های آماری، شواهد معناداری مبنی بر افزایش کیفیت مقاله‌های کیفی با مرور زمان (به دلیل یادگیری پژوهشگران) وجود ندارد و فرضیه هشتم پژوهش رد می‌شود. به نظر می‌رسد عامل زمان به‌تنهایی، تأثیر قابل توجهی بر ارتقای کیفیت مقاله‌های کیفی حسابداری نداشته است. این یافته می‌تواند با «ابهام‌های قابل توجه درباره معیارهای ارزیابی و استانداردهای کیفی» (مدلل، ۲۰۰۹) هم‌سو باشد. در غیاب یک الگوی یکپارچه و معتبر حتی با گذشت زمان، ممکن است یادگیری و بهبود کیفیت به صورت نظام‌مند و قابل اندازه‌گیری رخ ندهد. این امر بر ضرورت استفاده از الگوهایمانند الگوی کردستانی و رجب‌دروی (۱۴۰۵) در آینده تأکید می‌کند تا معیارهای روشنی برای بهبود فراهم شود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، ارزیابی مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری است. همچنین این پژوهش با هدف ارائه دیدگاهی نوآورانه و جامع، به دنبال رفع این کاستی با ارزیابی کاربردی مقاله‌های منتشرشده با الگوی موجود در بستر نشریه‌های علمی ایران است.

بررسی فرضیه‌ها نشان داد که فرضیه اول پژوهش رد شد، بدین معنا که از نظر آماری، تفاوت معناداری بین میانگین امتیاز کلی نشریه‌ها مشاهده نشد. این یافته، ناهم‌سو با پیش‌بینی ضمنی نظریه اقتضایی است که انتظار داشت ویژگی‌های خاص هر نشریه، به تفاوت‌های معنادار در کیفیت منجر شود. نبود تفاوت معنادار می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که نشریه‌های حسابداری در ایران، برخلاف تفاوت‌هایی که در رتبه‌بندی توصیفی جدول ۷ منعکس شده است، از یک حداقل استاندارد کیفی مشترک پیروی می‌کنند که مانع از بروز انحراف آماری معنادار از میانگین کلی می‌شود. این امر می‌تواند نتیجه فشارهای نهادی یا معیارهای عمومی انتشار باشد که به نوعی هم‌گرایی در سطح پایه منجر شده است. با این حال، تفاوت‌های توصیفی در رتبه‌بندی نشریه‌ها همچنان شایسته توجه است و نشان می‌دهد که فضای بهبود کیفیت در برخی نشریه‌ها بیشتر از دیگران است. نشریه‌هایی با امتیاز کمتر باید فرایندهای داوری و ویراستاری خود را به صورت خاص بازبینی و تقویت کنند. نهادهای نظارتی (مانند وزارت علوم) نیز با تداوم و توسعه نظام‌های ارزیابی کیفی نشریه‌ها می‌توانند به ایجاد رقابت سازنده و ارتقای سطح کلی کمک کنند. در مجموع نیز تدوین و ترویج یک راهنمای جامع نگارش و ارزیابی مقاله‌های کیفی حسابداری مانند کردستانی و رجب‌دروی (۱۴۰۵) برای همه نشریه‌ها، می‌تواند به هم‌افزایی و ارتقای استانداردها کمک کند.

فرضیه دوم نیز رد شد که ناهم‌سو با بسط نظریه اقتضایی به ساختار درونی مقاله است که انتظار داشت کیفیت بخش‌های مختلف به دلیل ماهیت و پیچیدگی‌های متفاوت، معنادار باشد. نبود تفاوت معنادار می‌تواند نشان‌دهنده رویکرد به نسبت یکنواخت در ارزیابی یا نگارش بخش‌های مختلف مقاله باشد، یا اینکه نوسان کیفی درونی به حدی نیست که به تفاوت‌های آماری معنادار منجر شود. یافته‌های این فرضیه نشان داد که بخش‌های «عنوان»، «منابع»، و «چکیده» کمترین ایرادها را داشته است که می‌تواند هم‌سو با ماهیت ساختاریافته‌تر و استانداردهای نگارشی واضح‌تر این بخش‌ها باشد. در مقابل، بخش‌های «بحث»، «مقدمه»، و «سایر موارد»

بیشترین ایرادها را به خود اختصاص داده است. ضعف در بخش «بحث» به صورت خاص، ناهم‌سو با انتظار از عمق و غنای یک پژوهش کیفی است و نشان‌دهنده نیاز به تقویت مهارت‌های تحلیل تفسیری و ربط‌دادن یافته‌ها به مبانی نظری و بینش‌های جدید است. در این زمینه برگزاری کارگاه‌های تخصصی در زمینه «تحلیل و نگارش بحث کیفی» توصیه می‌شود. همچنین، نویسندگان باید به وضوح بخشی به مسئله پژوهش، توجیه منطقی ضرورت و اهمیت آن، و ارائه زمینه نظری و دانش افزایی مناسب در مقدمه توجه بیشتری داشته باشند. لازم است استانداردهای داوری برای بخش‌های «بحث» و «مقدمه» نیز بازبینی و سخت‌گیرانه‌تر شود، با تأکید بر عمق تحلیل و انسجام منطقی. این راهنماهای داوری باید گویه‌های مشخص‌تری برای ارزیابی کیفی این بخش‌ها (به‌ویژه بخش بحث و مقدمه) ارائه دهد.

فرضیه سوم نیز رد شد، بدین معنا که شواهد آماری معناداری مبنی بر افزایش کیفیت مقاله‌های کیفی با مرور زمان (در بازه ۱۳۹۹-۱۴۰۳) مشاهده نشد. این یافته ناهم‌سو با این انتظار است که با گذشت زمان، ممکن است تغییر ساختاری یا سیاستی در نشریه‌ها یا جامعه علمی به تفاوت در کیفیت مقاله‌ها منجر شود. رد شدن این فرضیه می‌تواند نشان‌دهنده پایداری نسبی کیفیت در طول زمان باشد، یا اینکه تغییرهای رخ داده به‌حدی نبوده است که از نظر آماری تفاوت معناداری ایجاد کند. این می‌تواند به معنای نبود سیاست‌های مؤثر یا عوامل محرک قوی برای ارتقای کیفی سال‌به‌سال باشد. در این راستا نشریه‌ها باید سیاست‌های فعال‌تری برای جذب و تشویق مقاله‌های کیفی با کیفیت بالا مانند اختصاص شماره‌های ویژه، داوری تخصصی‌تر، و جوایز در نظر بگیرند تا میانگین کیفیت کلی افزایش یابد. نهادهای سیاست‌گذار علمی نیز با برنامه‌های حمایتی هدفمند برای پژوهش‌های کیفی با کیفیت بالا مانند گرنت‌های پژوهشی و تشویق به استفاده از الگوهای ارزیابی می‌توانند به ایجاد نوسان مثبت در طول زمان کمک کنند.

در باره فرضیه‌های چهارم تا هفتم مشخص شد که با افزایش رتبه نشریه، ارتقای رتبه علمی نویسنده، و افزایش کیفیت دانشگاه محل وابستگی نویسنده، امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی به صورت معناداری افزایش می‌یابد. همچنین، رابطه معناداری بین پُر استناد بودن نویسنده و امتیاز کیفیت مقاله‌ها مشاهده نشد. این یافته‌ها به صورت کامل هم‌سو با مبانی نظری مربوطه است. در زمینه رتبه نشریه تأیید نظریه علامت‌دهی (اسپنس، ۱۹۷۳) و نظریه اعتبار سازمانی (سوچمن، ۱۹۹۵) است. رتبه بالاتر نشریه، همچون یک سیگنال قوی از کیفیت عمل می‌کند و نشریه‌ها برای حفظ اعتبار نهادی خود، استانداردهای سخت‌گیرانه‌تری را برای پذیرش مقاله‌ها اعمال می‌کنند. در حیطه رتبه علمی نویسنده نیز این یافته هم‌سو با نظریه سرمایه انسانی (بکر، ۱۹۶۴) و نظریه سرمایه اجتماعی (بورديو، ۱۹۸۶) است. نویسندگان با رتبه‌های علمی بالاتر، به دلیل انباشت دانش، تجربه، مهارت‌های تحلیلی و نگارشی (سرمایه انسانی) و همچنین دسترسی به شبکه‌های علمی گسترده‌تر و منابع بهتر (سرمایه اجتماعی)، توانایی بیشتری در تولید مقاله‌های باکیفیت‌تر دارند. همچنین، در رابطه با نوع دانشگاه نویسنده این نتیجه هم‌سو با نظریه منابع سازمانی (اسکات، ۲۰۰۸) است. افزون‌بر آن، نبود رابطه بین پُر استناد بودن نویسنده و امتیاز کیفیت مقاله‌ها نشان می‌دهد که در این پژوهش، پُر استناد بودن نویسنده، به‌تنهایی نتوانسته است به صورت آماری، تفاوت معناداری در امتیاز کیفیت مقاله‌های کیفی ایجاد کند و این یافته نیازمند بررسی‌های بیشتر برای کشف عوامل تأثیرگذار دیگر یا شرایط خاص این رابطه است. براساس یافته‌ها نیز دانشگاه‌های دارای منابع غنی‌تر (مادی و غیرمادی) و زیرساخت‌های پژوهشی قوی‌تر، محیط مساعدتری برای انجام پژوهش‌های کیفی با کیفیت بالا فراهم می‌آورند و از این راه بر کیفیت مقاله‌های نویسندگان خود تأثیر مثبت می‌گذارند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که کیفیت مقاله‌های کیفی نه تنها به توانمندی‌های فردی پژوهشگران، بلکه به ساختارها و حمایت‌های نهادی؛ مانند کیفیت نشریه و دانشگاه نیز وابسته است. در این

راستا باید تقویت نظام رتبه‌بندی نشریه‌ها به صورت جدی‌تری انجام شود، زیرا این رتبه همچون یک «سیگنال» قوی از کیفیت عمل می‌کند و نشریه‌ها را به سمت حفظ استانداردهای بالا سوق می‌دهد.

درباره فرضیه هشتم نیز یادآوری می‌شود که این فرضیه رد شد، بدین معنا که شواهد آماری معناداری مبنی بر افزایش کیفیت مقاله‌های کیفی با مرور زمان در بازه ۱۳۹۹-۱۴۰۳ مشاهده نشد. این یافته به صورت واضح ناهم‌سو با پیش‌بینی نظریه یادگیری سازمانی (آرگریس و شون، ۱۹۷۸) است که انتظار داشت با افزایش تجربه و دانش جمعی، کیفیت بهبود یابد. رد شدن این فرضیه می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که ممکن است شامل محدودیت زمانی بازه پنج ساله یا چالش‌های ذاتی و ماهیت تفسیری پژوهش‌های کیفی باشد. این نتیجه نشان‌دهنده یک شکاف مهم است و بر خلاف رشد کمی و افزایش آگاهی از اهمیت پژوهش‌های کیفی، جامعه پژوهشی حسابداری هنوز نتوانسته است به صورت معناداری کیفیت این مقاله‌ها را در طول زمان ارتقا دهد. این موضوع بر ضرورت سرمایه‌گذاری بیشتر بر آموزش روش‌شناسی کیفی و توسعه استانداردهای شفاف و یکپارچه تأکید دارد. در این راستا لازم است جامعه علمی حسابداری تمرکز بیشتری بر توسعه و نهادینه‌سازی «یادگیری سازمانی» در زمینه پژوهش کیفی داشته باشد که می‌تواند با برگزاری مداوم و هدفمند کارگاه‌های آموزشی پیشرفته در روش‌شناسی کیفی، با تمرکز بر جنبه‌های کاربردی و ارزیابی کیفیت و ترویج راهنماهای عملی و چک‌لیست‌های جامع ارزیابی برای نویسندگان و داوران، بر پایه الگوهای معتبر مانند الگوی کردستانی و رجب‌دری (۱۴۰۵) و تشکیل شبکه‌های تخصصی پژوهشگران کیفی در حسابداری برای تبادل تجربه، بازخورد و ارتقای استانداردها به صورت جمعی و ترویج همکاری‌های میان‌رشته‌ای و بین‌المللی برای بهره‌گیری از تجربه‌های موفق در سایر حوزه‌ها انجام شود.

پژوهشگران آتی نیز می‌توانند با تمرکز بر عوامل مؤثر بر یادگیری جمعی و نهادی بررسی کنند که چرا با گذشت سال‌ها، کیفیت مقاله‌های کیفی حسابداری ارتقای معناداری نداشته است؟ همچنین به تحلیل فرایندهای داوری در نشریه‌های حسابداری ایران و تأثیر آن بر کیفیت نهایی مقاله‌ها و مقایسه کیفیت مقاله‌های کیفی حسابداری ایران با استانداردهای بین‌المللی برای شناسایی نقاط قابل بهبود بپردازند.

در زمینه محدودیت‌های پژوهش نیز یادآوری می‌شود که با وجود استفاده از الگوی جامع، ارزیابی مقاله‌های کیفی به صورت ذاتی با درجه‌ای از قضاوت همراه است که ممکن است بر یافته‌ها تأثیرگذار باشد. همچنین مطالعه حاضر تنها مقاله‌های منتشرشده را بررسی می‌کند و به فرایندهای پشت پرده پژوهش یا دلایل منتشر نشدن مقاله‌ها نمی‌پردازد. جامعه بررسی شده نیز به مقاله‌های کیفی منتشرشده در نشریه‌های علمی حسابداری ایران محدود شده است؛ بنابراین، قابلیت تعمیم یافته‌ها به سایر رشته‌ها، سایر کشورها، یا پژوهش‌های کیفی منتشرنشده وجود ندارد. همچنین، وابستگی مطالعه به الگوی جامع ارزیابی کردستانی و رجب‌دری (۱۴۰۵) به عنوان تنها ابزار ارزیابی، می‌تواند محدودیتی در جامعیت دیدگاه‌ها باشد، زیرا سایر الگوها یا معیارهای ارزیابی ممکن است ابعاد متفاوتی را برجسته کند. افزون بر آن، پژوهش با محدودیت‌هایی از جمله محدودیت زمانی برای انجام فرایند ارزیابی و تحلیل گسترده روبه‌رو بوده است. همچنین، محدودیت در دسترسی به منابع خاص یا اطلاعات عمیق‌تر از فرایند نگارش و داوری مقاله‌ها، می‌تواند بر غنای تحلیل تأثیرگذار باشد.

حامیان پژوهش

این مقاله از طرح پسا دکتری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) با شماره قرارداد ۵/۲۷۴۴۱۵/۱ استخراج شده است.

فهرست منابع

- دیانتی‌دیلمی، ز، و بردبار، ر. (۱۳۹۲). مطالعه‌ی تطبیقی روش‌شناسی مقالات حسابداری در مجلات معتبر داخل و خارج از ایران. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۲(۷)، ۱-۱۴.
- رهنمای‌رودپشتی، ف، بنی‌طالبی‌دهکردی، ب، و کاویان، م. (۱۳۹۱). تحلیل محتوای نشریات دارای رتبه علمی-پژوهشی رشته حسابداری در ایران. حسابداری مدیریت، ۱۵(۵)، ۱۲۱-۱۴۳.
- سلیمانی‌امیری، غ، و ایزدپور، م، و گرامی‌راد، ف. (۱۳۹۹). تحلیل محتوای نشریه علمی پژوهشی «پژوهش‌های تجربی حسابداری» طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰(۱)، ۱۲۱-۱۴۰.
- قناد، م، عرب‌مازازی، م، صفرزاده‌بندری، م، و حصارزاده، ر. (۱۴۰۲). کاربری فنون متن‌کاوی در تحلیل جریان موضوعی مقالات منتشره در مجلات حسابداری ایران. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵۸(۱۵)، ۱-۳۸.
- کردستانی، غ، و رجب‌دري، ح. (۱۴۰۴). تدوین چارچوب ارزیابی مقاله‌های کیفی حسابداری. دانش حسابداری مالی، ۱۲(۳)، ۱-۴۷.
- مشایی، ع، و برهانی، ع. (۱۴۰۲). تحلیل محتوای مقالات نشریه حسابداری و منافع اجتماعی از آغاز انتشار تا پایان سال ۱۴۰۱. رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۷(۲۵)، ۱۶۱۰-۱۶۲۰.
- نمازی، م، و رجب‌دري، ح. (۱۳۹۷). اخلاق حرفه‌ای حسابرسی در ایران: تحلیل محتوا. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵(۵۹)، ۱-۳۴.
- نونهال‌نهر، ع، و کاظمی، م. (۱۳۹۸). تحلیل محتوای مقالات فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی از ابتدای انتشار تا پایان سال ۱۳۹۶. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۱)، ۱۲۳-۱۵۰.
- Argyris, C., & Schön, D. A. (1978). *Organizational learning: A theory of action perspective*. Addison-Wesley.
- Becker, G. S. (1964). *Human capital: A theoretical and empirical analysis, with special reference to education*. University of Chicago Press.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258). Greenwood.
- Dianati Deilami, Z., & Bordbar, R. (2013). A comparative study of the methodology of accounting articles in authentic domestic and foreign journals. *Management Accounting and Auditing Knowledge*, 2(7), 1-14. [In Persian]
- Ghannad, M., Arab Mazar Yazdi, M., Safarzadeh Bandari, M., & Hesarzadeh, R. (2023). Application of text mining techniques in analyzing the thematic flow of published articles in Iranian accounting journals. *Financial Accounting and Auditing Research*, 15(58), 1-38. [In Persian]
- Hanssen, T., Hanssen, S., Jørgensen, F., & Larsen, B. (2018). The relation between the quality of research, researchers' experience, and their academic environment. *Scientometrics*, 114(3), 933-950.
- Hopwood, A. G., & Miller, P. (1994). *Accounting as social and institutional practice*. Cambridge University Press.
- Humphrey, C., & Lee, B. (2004). The real life of accounting: A critical review of qualitative accounting research. *Qualitative Research in Accounting and Management*, 1(1), 1-28.
- Kordestani, G., & Rajabdorri, H. (2025). Developing an evaluation framework for qualitative accounting articles. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 12(3), 21-47. <https://doi.org/10.30479/jfak.2025.22067.3295> [In Persian]
- Lawrence, P. R., & Lorsch, J. W. (1967). *Organization and environment: Managing differentiation and integration*. Division of Research, Graduate School of Business Administration, Harvard University.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage Publications.
- Mashaei, A., & Borhani, A. (2023). Content analysis of articles in the Journal of Accounting and Social Interests from the beginning of publication to the end of 2022. *Modern Research Approaches in Management and Accounting*, 7(25), 1610-1620. [In Persian]
- Modell, S. (2009). In search of relevance: The case for qualitative research in management accounting. *Qualitative Research in Accounting and Management*, 6(3), 183-194.

- Namazi, M., & Rajabdorri, H. (2018). Audit professional ethics in Iran: A content analysis. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 15(59), 1-34. [In Persian]
- Nonahal Nahr, A., & Kazemi, M. (2019). Content analysis of articles in the Accounting and Auditing Review Quarterly from the beginning of publication to the end of 2017. *Accounting and Auditing Review*, 26(1), 123-150. [In Persian]
- Parker, L. D. (2003). Qualitative research in accounting and management: The emerging agenda. *Qualitative Research in Accounting and Management*, 1(1), 1-12.
- Rahnamay Roodposhti, F., Bani Talebi Dehkordi, B., & Kavian, M. (2012). Content analysis of accounting scientific-research journals in Iran. *Management Accounting*, 15(5), 121-143. [In Persian]
- Scott, W. R. (2008). *Institutions and organizations: Ideas, interests, and identities* (3rd ed.). Sage Publications.
- Soleimani Amiri, G., Izadpour, M., & Geramirad, F. (2020). Content analysis of the scientific-research journal "Empirical Research in Accounting" during the years 2011 to 2018. *Empirical Research in Accounting*, 10(1), 121-140. [In Persian]
- Spence, M. (1973). Job market signaling. *The Quarterly Journal of Economics*, 87(3), 355-374.
- Suchman, M. C. (1995). Managing legitimacy: Strategic and institutional approaches. *Academy of Management Review*, 20(3), 571-610.
- Tracy, S. J. (2010). Qualitative quality: Eight "big-tent" criteria for excellent qualitative research. *Qualitative Inquiry*, 16(10), 837-851.
- Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1986). *Positive accounting theory*. Prentice-Hall.